

تفاوت توزیع ریسک

در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف

تدوین: فاطمه کاظمی نژاد، اداره تحقیقات و مدیریت نوآوری بانک رفاه

چکیده

در جهان امروز، بانکداری اسلامی توانسته است خود را به عنوان یک نهاد مالی مقتدر به جهانیان معرفی کند. در بسیاری از کشورها - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - نه تنها بانکداری و مالیه اسلامی در کنار نظام بانکی متداول در حال فعالیت است، بلکه در برخی موارد گوی سبقت را از آنها ربوده است. گرچه اکنون بانکداری اسلامی نوین با سابقه‌ای سی ساله پا به میدان رقابت جدی با نظام بانکداری متعارف^۱ گذاشته و دارای سرعت و رشد امیدوارکننده‌ای است، لیکن هنوز هم قدرت رقابتی و ابعاد عملیاتی این صنعت در سطح بین‌المللی محدود و اندک است. ارایه و استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری و خدمات مالی منطبق بر اصول اسلامی، چالش‌های خاصی را از نظر تشخیص، سنجش، نظارت و کنترل ریسک‌های ملحوظ در آن مطرح می‌سازد. مدیریت مؤثر و کارآمد ریسک در چارچوب مؤسسات مالی اسلامی که یک شرط اساسی برای رقابت موفق و مؤثر این مؤسسات در بازارهای مالی جهان است، نه تنها نیازمند گسترش چارچوب مقرراتی و نظارتی مطلوب‌تر می‌باشد، بلکه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی جدیدی را می‌طلبد تا آنکه فضای عملیاتی مناسب‌تری را ایجاد نماید. اخیراً تأسیس شورای مالی خدمات اسلامی^۲ با همکاری صندوق بین‌المللی پول، تأییدی است بر وجود این گونه نیازها که با افزایش روز افزون اهمیت بانکداری اسلامی در سطح جهانی شکل گرفته است. مقاله حاضر به معرفی ریسک و مدیریت ریسک در مفهوم کلی و سپس تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری غربی پرداخته است.

کلمات کلیدی: مدیریت ریسک، بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف.

مقدمه

ریسک در یک مؤسسه مالی، زبانی بالقوه است که یا به طور مستقیم از زیان‌های درآمد و سرمایه حاصل می‌شود و یا به صورت غیر مستقیم از محدودیت‌هایی است که توانایی بانک را برای دستیابی به اهداف تجاری و مالی خود کاهش می‌دهد. بنابراین و با توجه به ماهیت فعالیت‌های بانکی، حیات صنعت بانکداری در گرو پذیرش ریسک است، به گونه‌ای که پرهیز از آن امکان ندارد، اما تنها می‌توان آن را مدیریت کرد. مدیریت ریسک، یکی از جدیدترین شاخه‌های دانش مدیریت است که پایه‌هایش بر نقش مدیریت در حفاظت سازمان در برابر تهدیداتی همچون زیان‌های مالی قرار گرفته است، نقشی که از نظر "هنری فایول" یکی از وظایفی است که به عنوان وظیفه ایمنی مطرح می‌شود. ضرورت حفاظت از اموال و دارایی‌های ارزشمند سازمان‌ها در دنیای پیچیده و به سرعت در حال دگرگونی امروز، بر اهمیت این شاخه نوین از

دانش مدیریتی می‌افزاید، تا آنجا که امروزه کمتر سازمانی را در دنیای پیشرفته می‌توان یافت که از این ابزار مدیریتی در ساختار سازمانی خود بی‌بهره باشد. از دیدگاه کمیته بال، شاخص‌ترین و مهم‌ترین ریسک‌هایی که بانک‌ها با آن مواجهند، عبارتند از: ریسک اعتباری، ریسک کشوری، ریسک بازار، ریسک نرخ بهره، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک حقوقی، ریسک شهرت. با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌های اسلامی که بخش عمده‌ای از آن را فعالیت‌های مشارکتی تشکیل می‌دهد، ماهیت ریسک‌های مورد مواجهه این نوع بانک‌ها متفاوت از بانک‌های متعارف جهانی است. بر این اساس، شورای مالی خدمات اسلامی، انواع ریسک در بانک‌های اسلامی را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است: ریسک اعتباری: احتمال عدم بازپرداخت اصل و سود تسهیلات اعطایی از سوی مشتریان را ریسک اعتباری می‌گویند.

گرچه بانکداری اسلامی نوین، با سابقه‌ای سی ساله پا به میدان رقابت جدی با نظام بانکداری متعارف گذاشته و سرعت و رشد امیدوارکننده‌ای دارد، لیکن هنوز هم قدرت رقابتی و ابعاد عملیاتی آن در سطح بین‌المللی محدود و اندک است.



**عقد سلف، بانک‌های
اسلامی را در
معرض ریسک
اعتباری و ریسک
ناشی از نوسان
قیمت کالا قرار
می‌دهد.**

رغم همه پیشرفت‌هایی که در این مدت کوتاه در نظام بانکداری اسلامی در جهان صورت گرفته، اینگونه بانکداری هنوز با کمبودهای بسیاری در محدوده ابزارهای تجهیز و تخصیص منابع، به ویژه در زمینه مدیریت ریسک مواجه می‌باشد. از این رو، هر کوششی در جهت نوآوری در زمینه‌های ذکر شده، به ویژه در زمینه مدیریت ریسک در این بانکداری، اقدامی بسیار موجه خواهد بود.

مدیریت ریسک، پدیده‌ای نسبتاً نوپا می‌باشد که پیشرفت‌های چشمگیری را از چند دهه اخیر در علم بانکداری در جهان به وجود آورده است، لکن در بانکداری اسلامی تلاش چندانی برای مدیریت و مواجهه با خطرات احتمالی که این بانک‌ها را تهدید می‌کند، صورت نگرفته است. دلایل متعددی برای این عقب ماندگی وجود دارد که عمده‌ترین آنها، دولتی بودن بانک‌های اسلامی در برخی از کشورها، عدم آگاهی کافی از مبانی اسلامی، جدید بودن علم مدیریت ریسک و مانند آن می‌باشد. با وجود این، در چند سال اخیر، کوشش‌هایی در زمینه‌های علمی برای طراحی مدیریت ریسک، شناخت، کنترل، کاهش و نهایتاً پیشگیری ریسک در بانکداری اسلامی صورت گرفته که البته همه آنها در مراحل ابتدایی است.

در هر صورت، بروز ریسک در بانکداری سنتی و یا بانکداری اسلامی از هر شکل که باشد، منجر به کاهش

ریسک سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی: ریسکی که ناشی از ورود بانک‌های اسلامی در انواع مشارکت‌ها (به صورت ضامن یا به صورت تامین کننده بخشی از سرمایه مشارکت) است، به طوری که سرمایه مشارکت، در معرض ریسک فعالیت تجاری قرار می‌گیرد.

ریسک بازار: ریسک بازار، ناشی از تغییرات جاری و آینده ارزش بازار دارایی‌های خاص، مانند ارزش بازاری دارایی‌های مشارکتی و تغییرات ارز است.

ریسک نقدینگی: این ریسک نشانگر زیان‌های بالقوه وارده بر مؤسسات مالی اسلامی است که برآمدی از ناتوانی آنها در انجام تعهدات یا تأمین مالی و افزایش در دارایی‌های آنهاست.

ریسک نرخ بازدهی: این ریسک ناشی از تاثیر عوامل بازاری بر نرخ بازدهی دارایی‌هاست، به طوری که این نرخ بازدهی کمتر از نرخ بازدهی مورد نظر دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری شود.

ریسک عملیاتی: ریسک عملیاتی، زیان ناشی از فرایندهای داخلی غلط و یا ناکافی اشخاص و سیستم‌ها و رخدادهای خارجی به انضمام ریسک زیان ناشی از شرعی نبودن برخی فعالیت‌ها و قصور در مسوولیت‌های وکالتی است. بدون تردید، بانکداری اسلامی در طول مدت عمر کوتاه خود منشأ تحولات زیادی در نظام بانکداری شده است و به



قدرت سودآوری بانک می‌گردد. این کاهش قدرت در سه شکل می‌تواند باشد:

- ۱) سودآوری کمتر از هدف پیش‌بینی شده.
- ۲) از بین رفتن تمام سود پیش‌بینی شده.
- ۳) و بالاخره زیان‌دهی.

بدیهی است که شکل سوم، مخرب‌ترین شکل ریسک است که می‌تواند با از بین بردن تمام یا بخشی از سرمایه بانک و یا حتی بخشی از سپرده‌ها، در شکل بسیار حاد آن، تمام سپرده‌های بانکی را تهدید کند و موجودیت بانک را با خطر مواجه سازد. پیش‌آمدهای نامطلوب اولیه (رخداد زیان) هم تأثیر منفی بر ارزش سهام بانک گذاشته و تداوم رخدادهای مزبور، علاوه بر تأثیر منفی بر ارزش سهام، نهایتاً آن را به بن‌بست خواهد رساند.

هدف از مدیریت ریسک - با همه حساسیت و پیچیدگی و مشکل بودن آن - این است که به وسیله آن تمهیداتی صورت پذیرد تا حتی‌المقدور از رخدادها نامطلوب که منجر به بروز ریسک می‌شوند و در عین حال، قابل پیش‌بینی هستند، پیشگیری شود و نهایتاً میزان ریسک به حداقل ممکن برسد. نکته مهم در این رابطه این است که هر قدر این تمهیدات و پیش‌بینی‌ها کارآمدتر و مناسب‌تر باشند، باز هم ممکن است پاره‌ای از رخدادها نامطلوب که ذاتاً غیر قابل پیش‌بینی هستند، رخ دهند.

یکی از تفاوت‌های اساسی بانکداری سنتی و بانکداری اسلامی این است که تأمین مالی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط آنها کاملاً متفاوت است. ضمناً شیوه تجهیز منابع نیز یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی این دو نظام بانکداری است که در هر دوی آنها متفاوت است. این تفاوت‌ها موجب می‌شوند که ریسک فعالیت‌های بانکی در هر دو نظام به صورتی متفاوت بین سپرده‌گذاران و صاحبان سرمایه آنها توزیع شود. در بانکداری سنتی، ریسک مصرف منابع مستقل از ریسک تجهیز منابع خواهد بود، درحالی‌که در بانکداری اسلامی، ریسک مصرف و تجهیز منابع عمدتاً به هم وابسته است. در نتیجه، توزیع ریسک در این دو نظام متفاوت است.

شایان یادآوری است که بانکداری، یکی از شقوق واسطه‌گری وجوه است. بر این اساس، مؤسسات اعتباری به طور کلی و بانک‌ها به طور اخص، از یک طرف، به تجهیز منابع پس‌اندازهای جامعه و از طرف دیگر، به تخصیص این پس‌اندازها به امور مختلف اقتصادی می‌پردازند. این رفتارهای اساسی، هم در مورد بانک‌های سنتی و هم در مورد بانک‌های اسلامی مصداق دارند. تفاوت اصلی این دو روش بانکداری عمدتاً از شیوه رفتاری حقوقی نشأت می‌گیرد. بدیهی است که این تفاوت شیوه رفتاری در دو نظام بانکداری، هم به شکل عملکرد اقتصادی و هم بر نتیجه عملکرد اقتصادی این دو نوع بانکداری تأثیر متفاوتی دارد.

اکنون سوال این است که کدام شیوه بانکداری با ریسک کمتری مواجه است؟ به عبارت دیگر، کدام شیوه بانکداری ریسک کمتری برای سهامداران و سپرده‌گذاران خود خواهد

تجهیز منابع پروژه‌های عمرانی، یکی از هدف‌های بانک‌های اسلامی است.

داشت؟ بدیهی است که در ورای این پرسش به دنبال ترجیح شیوه‌های بانکداری از جهت پذیرش ریسک نیستیم، بلکه این مطلب به این معنی است که در هر دو نوع بانکداری باید با مدیریت ریسک، ریسک بانک ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل کرد و یا در حد لزوم کاهش داد تا سلامت بانک محفوظ بماند.

توزیع ریسک بین بانک و سپرده‌گذار در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف

منابع بانک مشتمل است بر منابع سرمایه، منابع قرض‌الحسنه و منابع سپرده‌گذار که در واقع، منابع وکالتی است. منابع قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری منابع متعلق به

با توجه به ماهیت
فعالیت بانک‌های
اسلامی که بخش
عمده‌ای از آن را
فعالیت‌های
مشارکتی تشکیل
می‌دهد، ماهیت
ریسک‌های مورد
مواجهه این نوع
بانک‌ها متفاوت از
بانک‌های متعارف
جهانی است.

زیرا اصل و سود سرمایه‌شان تضمین نشده است، اما به همان میزان قدرت اعمال نظر و کنترل ندارند. در عین حال، عدم تقارن اطلاعات که در بخش تجهیز منابع وجود دارد و بر اساس آن بانک‌ها بنا بر تشخیص خود سپرده‌های مردم را به کار می‌گیرند، احتمال بروز مخاطرات اخلاقی را بسیار بالا برده و انگیزه بانک‌ها را برای قبول ریسک و اداره مؤسسات مالی بدون در نظر گرفتن سرمایه مناسب زیادتیر می‌کند.

توزیع ریسک بین بانک و گیرنده تسهیلات در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی

ریسک در فعالیت‌های اقتصادی که در اثر تسهیلات اعطایی بانک‌ها به وجود می‌آید، به مقدار معینی وجود دارد. نحوه تأمین منابع در میزان آن تغییری نمی‌دهد، بلکه بر عکس نحوه تأمین منابع مورد نیاز فعالیت اقتصادی مزبور در توزیع ریسک حاصل از آن مؤثر است.

در بانکداری متعارف، تقریباً قسمت اعظم ریسک به گیرنده تسهیلات منتقل می‌شود و هنگامی که وام داده می‌شود، رابطه بانک با گیرنده تسهیلات قطع می‌شود، اما در بانکداری اسلامی، به ویژه در عقود مشارکتی، رابطه تنگاتنگی بین بانک و تسهیلات گیرنده وجود دارد. وقتی که بانک‌های اسلامی مبادرت به تأمین مالی مشارکتی می‌نمایند، امکان قصور شریک بانک که تسهیلات مالی مشارکتی را دریافت کرده، تا قبل از انقضای مدت قرارداد و در صورت عدم تخلف او قابل تصور نیست. هنگامی که قراردادها با قصور یا عدم پرداخت مواجه می‌شوند، اعمال هر گونه جریمه توسط مؤسسات مالی - به جز در مواردی که تعمدی بودن آن اثبات شود - ممنوع است. بنابراین، همانطور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌کنید، بانک‌های اسلامی در عقود مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت، با ریسک اعتباری بسیار بالایی روبرو هستند.

بانک می‌باشند، زیرا بر اساس موازین قرض الحسنه، پس از انعقاد قرارداد قرض، مالکیت این منابع از ید قرض‌دهنده خارج می‌شود و در ید قرض‌گیرنده، یعنی بانک قرار می‌گیرد. چون از دیدگاه ماهیت، قرض به گونه‌ای است که قرض‌گیرنده ضامن استرداد اصل آن می‌شود، لذا این تضمین بانک اسلامی را در وضع بسیار خطرناکی قرار می‌دهد که سهامداران باید به آن توجه داشته باشند. در مقابل، همانطور که قبلاً بیان شد، سپرده‌های وکالتی از یکطرف، همتراز منابع بانک در ریسک بانک سهیم می‌شوند و این مطلب وضعیت خطرناک قبلی را تعدیل می‌کند، اما از طرفی دیگر، یک بانک اسلامی برای پرداخت نرخ بازده مناسب به دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری تحت فشار است، زیرا این نرخ باید به گونه‌ای باشد که انگیزه کافی برای سپرده‌گذاران جهت نگهداری سپرده‌هایشان در بانک ایجاد کند. حال اگر این نرخ بالاتر از نرخ قابل پرداخت به قراردادهای سرمایه‌گذاری باشد، بانک ممکن است از برخی از منافع خود جهت حفظ منافع سهامداران چشم‌پوشی کند. بدیهی است که کوتاهی و مسامحه در این امر، ممکن است به خروج سپرده‌ها از بانک منتهی شود که به دنبال خود موقعیت تجاری و رقابتی بانک را با خطر روبرو خواهد کرد. این ریسک همان ریسک تجاری نامیده می‌شود. موضوع حاکمیت شرکتی که در نهادهای متعارف غربی مطرح است، در بانک‌های اسلامی نیز با مقداری تفاوت مشاهده می‌شود. در نهادهای متعارف، سپرده‌گذاران نیازی به حقوق کنترلی جز در هنگام ورشکستگی نهاد ندارند و در هنگام ورشکستگی است که سپرده‌گذاران به عنوان اعتباردهنده حق اعمال نظر پیدا می‌کنند. آنها در این حد که مطمئن شوند اصل و سود سپرده‌شان تضمین شده است، اطلاعات لازم را دارند، اما در بانک‌های اسلامی، سپرده‌گذاران چون در مواردی وارد عقود مشارکتی می‌شوند، لذا در سود و زیان شریک بانک می‌شوند، در حالی که این سپرده‌گذاران به میزان سهامداران بانک ریسک پذیرفته‌اند.



کدام شیوه بانکداری، ریسک کمتری برای سهامداران و سپرده‌گذاران خواهد داشت؟

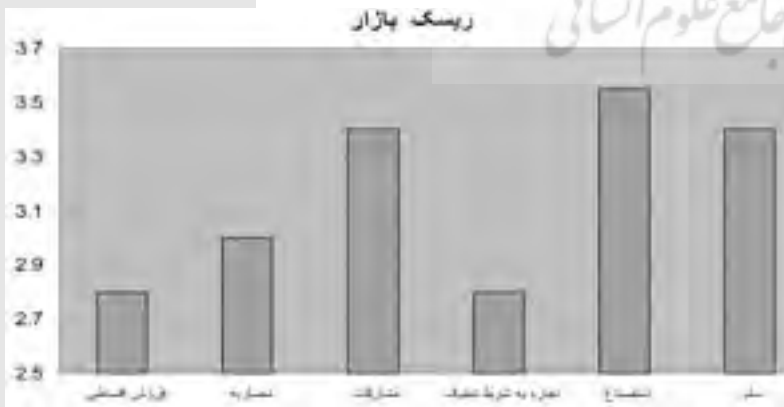
با توجه به اینکه بانک با قراردادهای مشارکت زیادی روبرو خواهد بود، در نتیجه، برای هر کدام از آنها باید همین روش را در پیش گیرد. بنابراین، هزینه‌های مربوط به کنترل و نظارت برای بانک به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت. **خطر اخلاقی:** یکی دیگر از آثار اطلاعات نا متقارن، خطر اخلاقی است. مشکل خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد است و در پایان فعالیت شرکت بروز می‌کند، یعنی هنگامی که متقاضیان تأمین مالی، فعالیت‌ها و عمل خود در اجرای طرح را پنهان می‌کنند. این مورد، از جمله مهمترین چالش‌های قرار داد مشارکت است که اگر بانک بخواهد به درستی قرارداد مشارکت را اجرا کند، یا باید در همه قراردادهای حضور و نظارت داشته باشد که هزینه زیادی را متوجه بانک می‌کند و یا اگر بخواهد متقاضی را به عنوان اداره کننده شرکت انتخاب کند، در پایان فعالیت با مشکل "خطر اخلاقی" روبرو خواهد شد.

گرچه عقود اسلامی غیرمشارکتی، ریسک کمتری دارند و در مقایسه با عقود مشارکتی شباهت بیشتری به تسهیلات مالی سنتی و مرسوم [در کشورهای غیراسلامی] دارند، اما این عقود نیز واجد ریسک می‌باشند که لازم است شناخته شوند. به طور مشخص، عقد سلف (خرید با تحویل کالا در آینده) بانک‌های اسلامی را در معرض هم ریسک اعتباری و هم ریسک ناشی از نوسان قیمت کالا قرار می‌دهد تا کالا را در آینده خریداری نمایند و همچنین کالای خریداری شده را نزد خود نگاه می‌دارند تا زمانی که بتوانند مجدداً آنرا به پول نقد تبدیل نمایند. مانند همین ریسک در عقد قرارداد اجاره^۴ وجود دارد، زیرا بر خلاف روش‌های لیزینگ مرسوم [در سایر کشورها]، در بانکداری اسلامی بانک‌ها نمی‌توانند ریسک و پاداش قابل ملاحظه مالکیت مورد اجاره را به مستأجر انتقال دهند و ناچارند که در تمام مدت اجاره، مالکیت آن را تقبل کنند و در ترازنامه خود نشان دهند.

نمودار شماره دو نشان‌دهنده سطح بالای ریسک بازار در عقود مبادله‌ای مانند سلم و استصناع^۵ می‌باشد.

نمودار شماره دو

ریسک بازار

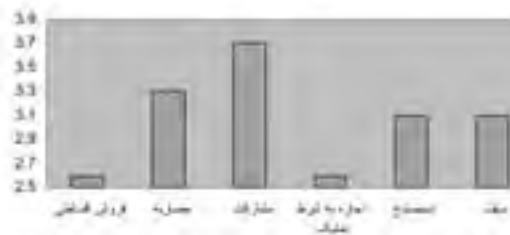


ریسک غیر شرعی بودن معاملات

از جمله تفاوت‌های ریسک در دو نظام بانکداری این

نمودار شماره یک

ریسک اعتباری



مدیریت و اعمال روش‌های تأمین مالی مشارکتی (PLS)^۳ در مقایسه با روش‌های مرسوم وام‌دهی در بانک‌های سنتی، به دلایل زیر پیچیده‌تر است:

وجود اطلاعات نا متقارن: هنگامی که متقاضی تأمین مالی، قرارداد مشارکت یک طرح یا فعالیت اقتصادی را برای دریافت تسهیلات به بانک معرفی می‌کند، خود متقاضی تقریباً اطلاعات کافی و لازم درباره هزینه و بازدهی آن را در اختیار دارد، لیکن بانک از این اطلاعات به مقدار کافی برخوردار نیست و شناخت کافی نسبت به هزینه و بازدهی فعالیت اقتصادی ندارد.

فقدان ابزار قانونی مناسب جهت کنترل عامل یا مضارب: وقتی که بانک‌های اسلامی مبادرت به تأمین مالی مشارکتی می‌نمایند، امکان قصور شریک بانک که تسهیلات مالی مشارکتی را دریافت کرده، تا قبل از انقضای مدت قرارداد و در صورت عدم تخلف او قابل تصور نیست، یعنی در صورت غفلت و سوء مدیریت او در کار، امکان قصور^۵ توسط او در بازپرداخت تسهیلات وجود ندارد. در حقیقت، قصور در بازپرداخت تسهیلات مشارکتی، به معنای این است که پروژه سرمایه‌گذاری مشارکتی انتظارات را برآورده نکرده است، یعنی یا سود کمتری عاید شده و یا ضرر زیان به بار آمده است. در این حالت، سود کمتر یا زیان وارده بین هر دو طرف قرارداد بر اساس نسبت‌های قید شده در قرار داد مشارکتی تقسیم می‌گردد، مثلاً در مورد قرارداد مضاربه، بانک اسلامی تنها در صورتی می‌تواند در پایان دوره قید شده در قرارداد اصل مبلغ وام را دریافت نماید که سودی حاصل شده باشد، در غیر اینصورت و اگر دفاتر شخص مضارب یا عامل ضرر و زیان نشان دهد، بانک به عنوان مالک یا رب‌المال نمی‌تواند اصل وام خود را پس بگیرد. البته در نمونه مضاربه خاص^۶ و مورد استفاده بانک در تخصیص منابع بانک‌ها در قرارداد مضاربه نکاتی را که به زعم بانک ضامن موفقیت پروژه مضاربه‌ای است، می‌گنجانند. این اقدام قبل از امضای قرارداد انجام می‌شود و پس از امضای هر دو طرف شرایط مضاربه در طول مدت قرارداد - به جز با توافق هر دو طرف - قابل تغییر نیست.

هزینه‌های مربوط به کنترل و نظارت: اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت از طریق فرستادن ناظر در مدیریت و اجرای فعالیت اقتصادی و یا تدبیر روشی برای انجام این عمل امکانپذیر است.



**دولتی بودن
بانک های اسلامی در
برخی از کشورها،
عدم آگاهی کافی از
مبانی اسلامی و
جدید بودن علم
مدیریت ریسک،
باعث شده اند که
موضوع مدیریت
ریسک به اندازه
کافی مورد توجه
قرار نگیرد.**

هم به کسب سود تجاری می پردازند. نگهداشت سرمایه حتی برای مدت بسیار کوتاه در دنیای پر سرعت امروز هزینه فرصت بالایی دارد. بانک های متعارف از ظرفیت بازار پولی بین خودشان حداکثر استفاده را می برند و از وام دادن وجوه کلان در چند ساعت سودهای بزرگی را نصیب خود می کنند. با توجه به این مسأله که بازارهای مبادلات بانکی غیراسلامی در بر دارنده ربا و مصادیق آن هستند، بانک های اسلامی قادر به ورود به این بازارها نبوده و نیازمند طراحی بازارهای مجزا و اسلامی برای انجام مبادلات بین بانکی خود با هدف کنترل ریسک نقدینگی می باشند.

ریسک نقدینگی^{۱۲}

بانک های اسلامی مانند سایر بانک ها نیازهای نقدینگی خود را برآورده می سازند، اما آنها در این خصوص به دلایل زیرهمواره با مشکلات بی شماری روبرو بوده اند:

- (۱) ارایه تسهیلات و سرمایه گذاری با سررسید نسبتاً بلند مدت.
- (۲) جذب منابع به صورت سپرده های کوتاه و میان مدت.
- (۳) نبود بازار ثانویه فعال (با قدرت نقل و انتقال بالا) برای وام ها و تسهیلات اعطایی.
- (۴) پایین بودن قدرت نقدشوندگی دارایی های مالی اسلامی (به دلیل پاره های مسایل فقهی و اجرایی).
- (۵) ممنوعیت سرمایه گذاری با ابزارهای مبتنی بر بهره.
- (۶) صورت گرفتن معاملات اسلامی از طریق مبادله مالکیت دارایی حقیقی.
- (۷) نبود یک بازار سرمایه و پول مناسب.

همانطور که در نمودار شماره سه مشاهده می کنید، تقریباً تمام عقود اسلامی دارای ریسک نقدینگی بسیار بالایی هستند.

است که بانک های اسلامی در معرض ریسک غیرشرعی بودن معاملات نیز قرار دارند، در حالی که بانک های متعارف به هیچ عنوان با آن مواجه نیستند. به عبارت دیگر، بانک های اسلامی نمی توانند در فعالیت های غیر مجاز، یعنی تولید کالا و خدمات مغایر با شریعت اسلامی شرکت نمایند. همچنین بانک های اسلامی مجاز نیستند که در شرکت های با ضریب اهرمی بالا (بدهی)^{۱۳} سرمایه گذاری نمایند.

به علت محدود بودن و تنوع کم ابزارهای اسلامی جهت مدیریت ریسک و همچنین دشوار بودن اندازه گیری کمی ریسک به علت پیچیدگی قراردادهای مالی اسلامی، دشواری و اهمیت مدیریت ریسک اسلامی دو چندان شده است. از آنجاکه نظام بانکی اسلامی نوظهور است، لذا تکنیک های قانونی و نظارتی سازگار با بانک ها و نهادهای مالی اسلامی هنوز به درستی ایجاد نشده و توسعه نیافته است، حتی قانون تجارت در بیشتر کشورهای اسلامی نیز نوعی نسخه برداری از قوانین غرب می باشد، قوانینی که در بسیاری از موارد توجهی به ملاحظات اسلامی ندارند و بانک های اسلامی را محدود و مجبور به رعایت و حرکت در چارچوب قوانین تجارت غربی می کنند. برای مثال، می توان به مباحث کفایت سرمایه کمیته بال^{۱۴} اشاره کرد. کمیته بال با توجه به تعریف متعارف از بانک، الزاماتی را مطرح می کند که بانک های اسلامی مجبور به رعایت آنها هستند، در حالی که فعالیت و حوزه عملکرد و نهایتاً ریسک بانک های اسلامی بسیار با بانک های متعارف متفاوت است.

نهادهای و بانک های متعارف از ظرفیت بازار ثانویه حداکثر استفاده را می برند. آنها با خرید اوراق سرمایه گذاری کوتاه مدت مانند اوراق قرضه و دیگر ابزارهای مالی متنوع در بازار ثانویه، هم مدیریت ریسک نقدینگی خود را انجام می دهند و

پیمان نامه جدید سرمایه (بازل ۲) و ارکان آن در بانکداری اسلامی

در پیمان نامه ۱۹۸۸ (بازل ۲) برای محاسبه سطح مناسب سرمایه، یک روش وجود دارد و بهترین راه برای محاسبه و مدیریت ریسک از بانکی به بانک دیگر متفاوت است. در پیمان نامه بازل ۲ روی سه محور تاکید شده است. نمودار شماره چهار ارکان اساسی مصوبه کمیته بال ۲ را نشان می‌دهد:

رکن اول - حداقل سرمایه مورد نیاز: در چار چوب جدید، حداقل سرمایه به میزان هشت درصد کماکان به قوت خود باقی است و فقط محاسبه مخرج کسر متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر، محاسبه ریسک‌های اعتباری، بازار و عملیاتی رقم مخرج کسر کفایت سرمایه را تشکیل می‌دهد. ریسک اعتباری به دو روش محاسبه می‌شود: روش استاندارد و روش داخلی. در روش استاندارد، اوزان ریسک نیز در نظر گرفته می‌شوند. در روش داخلی، هر بانک از سیستم داخلی خود برای تخمین ریسک و شناسایی رتبه مشتریان استفاده می‌کند. یکی از مهم‌ترین روش‌های کنترل ریسک، به ویژه در بانک‌های اسلامی، به کارگیری سیستم‌های رتبه‌بندی داخلی (IRSS)^{۱۴} با لحاظ نمودن عقود بانکداری اسلامی در آن می‌باشد.

با توجه به اینکه استانداردهای موجود در پیمان نامه بازل کاملاً منطبق با اصول بانکداری متعارف بود، لذا لازم به نظر می‌رسید که تغییراتی در آنها ایجاد شود تا ریسک‌های خاص موجود در بانکداری اسلامی نیز تا حدی پوشش داده شوند. لذا در این رابطه مؤسسه^{۱۵} AAOIFI روش‌هایی را ارائه نموده است که به موجب آن، در مخرج کسر باید ۵۰ درصد از دارایی‌های مبتنی بر ریسک که به وسیله وجود حساب‌های سرمایه‌گذاری تامین مالی شده‌اند، در نظر گرفته شود.

دکتر شون، مدیر توسعه خدمات بانک لندن و خاور میانه، در مصاحبه با مجله New Horizon می‌گوید: «علی‌رغم این که به کار بستن مقررات پیمان بال ۲ به طور یکسان در خصوص کلیه بانک‌ها الزامی است، اما اجرای یکسان آن در بانک‌های کوچک و بزرگ اثرات متفاوتی را بر جای می‌گذارد. تفاوت‌های یادشده ناشی از نحوه اعمال مقررات نیست، بلکه ناشی از قابل دسترس بودن مدل‌های یکپارچه اعتبارسنجی و برخورداری از تاریخچه اعتباری مشتریان و داده‌های ضروری است که هر بانک برای تکمیل محاسبات مربوط به کفایت سرمایه خود به آن نیازمند است. بانک‌های بزرگ قادر هستند پروژه‌های توسعه‌ای عمده و مهم را به نحو مطلوبی اداره کنند و در اجرای آن پیشرفت حاصل نمایند و این امر حتی زمانی که میزان سرمایه واقعی‌شان به درستی مشخص نیست، می‌تواند رخ دهد. بانک‌ها برای اجرای پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای بایستی بتوانند مدل‌های رتبه‌سنجی خاص خود را بر مبنای تاریخچه اعتباری موجود در بانک، پایه‌ریزی و ایجاد نمایند، نه این که از رهیافت‌های استاندارد شده‌ای که عموماً از سوی

نمودار شماره سه

ریسک نقدینگی



نمودار شماره چهار

ارکان کمیته بال ۲



بانک‌های کوچک به کار گرفته می‌شود، استفاده کنند. البته استفاده از رهیافت‌های استاندارد شده فوق، نسبت به روش‌های ایجاد مدل‌های اعتبارسنجی درون سازمانی که بانک‌های بسیار بزرگ از آن استفاده می‌کنند، هزینه کمتری را به بانک تحمیل خواهد کرد.» دکتر شون در ادامه می‌افزاید: «احتمالاً بانک‌های کوچک، به ویژه بانک‌های اسلامی، از فقدان تاریخچه اعتباری مشتریان و کوچک بودن حجم نمونه مورد بررسی صدمه خواهند دید، زیرا این امر باعث می‌گردد که کوشش آنان در جهت ساخت مدل‌های اعتبارسنجی با محدودیت‌هایی مواجه شود. از سوی دیگر، از آنجا که بانک‌های بزرگ قادر هستند مدل‌های ریسک اعتباری خود را براساس نوع ارائه خدمات‌شان تهیه نمایند، لذا در ارائه خدمات بانکداری اسلامی در شعب مخصوص خود موفق‌تر عمل می‌کنند و می‌توانند از بانک جامع تاریخچه اعتباری مشتریان‌شان به نحو مؤثری استفاده نمایند. بانک‌های متعارف در زمینه تاریخچه وام‌های سوخت شده به پایگاه‌های اطلاعاتی جامعی دسترسی دارند که از جمله آنها می‌توان به کنسرسیوم داده‌های اعتباری اروپا (PECDC) و بانک اطلاعاتی وام‌های سوخت شده آمریکای شمالی (NALLD) اشاره کرد. به هر حال، استفاده از این گونه پایگاه‌های

بانک‌های اسلامی در عقود مشارکتی، مانند مضاربه و مشارکت، با ریسک اعتباری بسیار بالایی روبرو هستند.

آنچه در بانک‌های متعارف رایج است، تفاوت دارد. اخیراً هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB) استانداردهای کفایت سرمایه را منتشر کرد که تا اندازه‌ای منعکس‌کننده دستورالعمل‌های پیمان‌بال ۲ است. به عنوان مثال، مؤسسه خدمات مالی انگلستان (FSA) که مقام ناظر بر فعالیت‌های مالی آن کشور به شمار می‌رود، رعایت دقیق دستورالعمل‌های پیمان‌بال ۲ را از سوی بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف به طور یکسان خواستار شده است. «

رکن دوم - نظارت مؤثر:^{۱۶} برای اجرای فرآیند نظارتی، بازرسان باید مطمئن شوند که هر بانک از سیستم کنترل داخلی با ثبات و مطمئنی برای ارزیابی کفایت سرمایه خود برخوردار است.

در باره وجود رکن دوم در بانکداری اسلامی، باید گفت که نهادهای نظارتی در انطباق با محور دوم بازل ۲ مشکلی نخواهند داشت. ایجاد مؤسساتی مانند شورای خدمات مالی اسلامی (IFSB)^{۱۷} تلاش مثبتی برای تطابق این عملیات با بانکداری اسلامی به حساب می‌آید.

رکن سوم - افشای اطلاعات:^{۱۸} افشای مؤثر اطلاعات، کمک مؤثری به شرکت‌کنندگان بازار است تا از مجموعه

اطلاعاتی، لزوماً نمی‌تواند برای بانک‌های اسلامی مناسب باشد، زیرا پایگاه‌های یاد شده، بر مبنای روش تأمین مالی ربوی تنظیم شده‌اند. علاوه بر این، نوع ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی ممکن است با ریسک‌پذیری بانک‌های متعارف تفاوت داشته باشد. اکنون زمان آن فرارسیده است که جامعه بانکداری اسلامی، پایگاه اطلاعاتی ویژه مؤسسات مالی اسلامی را تأسیس نماید که حاوی تاریخچه وام‌های سوخت شده مؤسسات یاد شده باشد. همچنین با توجه به این که بسیاری از بانک‌های اسلامی تازه تأسیس می‌باشند، بنابراین، آنان هنوز یک سیکل کامل اقتصادی را تجربه نکرده‌اند، لذا چنانچه بانک اطلاعاتی وام‌های سوخت شده این گونه مؤسسات نیز تهیه شود، حجم نمونه مورد بررسی چندان قابل توجه نخواهد بود. اگر بانک‌های اسلامی از لحاظ سطوح ریسک عملیاتی با بانک‌های کوچک متعارف مقایسه شوند، در می‌یابیم که دو گروه یاد شده تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. تفاوت را می‌توان در روش‌های ارزیابی ریسک اعتباری مشاهده کرد، زیرا تأمین مالی براساس روش‌های ارزیابی ریسک اعتباری بانک‌های اسلامی، مستلزم رعایت نسبت کفایت سرمایه ویژه‌ای می‌باشد که با



اکنون زمان آن
فرار سیده است که
جامعه بانکداری
اسلامی، پایگاه
اطلاعاتی ویژه
مؤسسات مالی
اسلامی را تأسیس
نماید.

پوشش زیان توسط بانک‌های اسلامی، باید در یک چارچوب جامع مدیریت ریسک صورت گیرد که بیانگر کلیه ابعاد مهم عملیات بانکی در یک فضای اسلامی باشد و یک سیستم مناسب افشای اطلاعات توسط بانک‌های اسلامی را در برگیرد. چنین چارچوبی را می‌توان شبیه به سیستم^{۱۹} CAMELS طراحی نمود، به طوریکه ضمن ارزیابی سلامت مالی بانک، این راه‌ها بتوانند نیازهای خاص یک محیط و فضای مالی اسلامی را هم در خود انعکاس دهند. ایجاد مقررات مناسب برای افشای اطلاعات باید به صورت رکن اساسی چارچوب مقرراتی مؤسسات مالی اسلامی درآید. زیرا این مقررات به همراه استانداردهای مناسب حسابداری می‌توانند به فضای بازار کمک کنند تا عدم شفافیت ذاتی در برخی جوانب بانکداری اسلامی مانند گرفتن وثیقه [در بعضی عقود] و یا مسایل مربوط به موجودی انبار را چنانکه قبلاً اشاره شد، بر طرف کنند. این امر به نوبه خود بازار را قادر می‌سازد تا ریسک‌های خاص در بانکداری اسلامی را بهتر ارزیابی نماید.

(ب) گسترش نهادها: رویکرد مبتنی بر گسترش نهادها در راستای مدیریت ریسک مؤثر و کارآمد در بانکداری اسلامی، از جهات زیر قابل بررسی است:

ریسک‌های مؤسسات و کفایت سرمایه آنها اطمینان حاصل نمایند. ناظران طبق این اصل نظارت می‌کنند که آیا سرمایه بانک قدرت پوشش ریسک‌های متداول آن را دارد یا خیر؟ وضعیت رکن سوم در بانکداری اسلامی، بدین‌گونه است که شفافیت صورت‌های مالی برای بانکداری اسلامی مهم‌تر از بانکداری متعارف است، زیرا اصل PLS بانک را ملزم می‌کند تا صورت‌های مالی را با صحت و درستی منتشر نماید. به این ترتیب، توزیع سود میان بانک و مشتری به درستی صورت می‌پذیرد. مؤسسه AAOIFI نیز در این زمینه دیدگاه‌های مؤثری را ارائه داده است.

مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی

بر اساس نکات فوق، مدیریت ریسک مؤثر و کارآمد در بانکداری اسلامی، به یک راهبرد دوگانه مبتنی بر یک چارچوب مقرراتی مناسب و همچنین گسترش مطلوب نهادها، نیاز دارد.

(الف) تقویت چارچوب مقرراتی: ایجاد اندوخته‌های سرمایه‌ای و اندوخته برای پوشش زیان و همچنین قیمت‌گذاری و کنترل ریسک، عوامل مهمی در بهبود عملیات بانکداری اسلامی به عنوان نهادهای پابرجا و دایمی به شمار می‌روند. دلایل این امر به قرار زیر است:

(۱) برای کاهش احتمال بروز مخاطرات اخلاقی در عقود مشارکتی بانک‌ها، ضرورت دارد که بانک‌های اسلامی مبالغ مناسبی از سرمایه خود آورده و ریسک‌پذیر را در اختیار داشته باشند.

(۲) به واسطه عدم تقارن اطلاعات در مضاربه‌های عام، تصمیم بانک به نگاهداری سرمایه اندوخته در حد مناسب، به سپرده‌گذاران یک "اطمینان خاطر" می‌دهد تا در برابر شایعات احتمالی مبنی بر سوء عملکرد بانک که خود منجر به خروج دسته جمعی سپرده‌ها از بانک و لذا منجر به تخریب حسن شهرت و ارزش اعتباری آن می‌شود، اعتماد سازی نمایند.

(۳) مقابله با کاهش شدید سپرده‌های سرمایه‌گذاری در صورت بروز زیان [به جای سود]، این حالت ممکن است موجب خروج این نوع سپرده‌ها و شروع بحران کمبود نقدینگی در بانک‌ها شود، و در این صورت، بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی ابزارهای کمتری را برای مقابله با آن در اختیار دارند.

(۴) افزایش توانایی بانک در جذب سپرده‌های جاری که سودی دریافت نکرده‌اند، ولی با همان ریسک سپرده‌های سرمایه‌گذاری روبرو هستند.

(۵) در نظر گرفتن این واقعیت که تأمین مالی براساس روش‌ها و عقود مشارکتی و غیرمشارکتی، باعث پیچیده‌تر شدن عملیات بانکی و ریسک‌های متعدد و منحصر به فردی می‌گردد که باید تحت کنترل در آیند. تعداد و تنوع این ریسک‌ها نسبت به ساختار خاص قراردادها و عقود و محیط و فضای کلی عملیاتی، فرق می‌کند.

اندوخته‌های سرمایه‌ای مکفی و اندوخته مناسب برای





موضوع حاکمیت
شرکتی که در
نهادهای متعارف
غربی مطرح است،
در بانکهای اسلامی
نیز با مقداری تفاوت
مشاهده می شود.

۳) گسترش ابزارها و روش های پوشش ریسک:
بانک های اسلامی در مقایسه با بانک های متعارف از
ابزارهای کمتری جهت پوشش ریسک برخوردارند،
ابزارهایی مانند معاملات اتی^{۲۱}، معاملات اختیاری^{۲۲} سلف^{۲۳}
که هنوز به دلیل مشکلات شرعی در دسترس بانک های
اسلامی قرار ندارند.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفت،
ملاحظه شد که قسمت اعظم - و شاید تمام - ریسک های

۱) گسترش بازارهای بین بانکی و بازار پول: کمبود
بازارهای بین بانکی، مدیریت نقدینگی در بانک های
اسلامی را دچار مشکل نموده و آنها را در معرض بحران های
نقدینگی بیشتری قرار می دهد.

**۲) دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی به عنوان
قرض دهنده نهایی (LOLR):**^{۲۰} بانک های اسلامی در
مقایسه با بانک های متعارف، فرصت های کمتری در استفاده
از تسهیلات بانک مرکزی مانند تسهیلات وام دهنده نهایی
یا تسهیلات اعتبار در حسابجاری نزد بانک مرکزی دارند و
دسترسی آنها به بازار بین بانکی محدود است.

وضع مقررات مناسب برای افشای اطلاعات، باید به عنوان رکن اساسی چارچوب مقرراتی در مؤسسات اسلامی شناخته شود.

مقایسه با بانک‌های متعارف برای مقابله با ریسک، بار سنگینی را بر دوش می‌کشند و با مشکل جدی در این زمینه رو برو می‌باشند، اما باید دانست که هیچ کدام از این مشکلات درمان ناپذیر نیستند و با دور اندیشی، همت و سیاستگذاری درست، می‌توان علاوه بر رفع ضعف‌ها و کمبودها، دست به نوآوری زد و وارد قلمروهای جدید از قبیل مدیریت صحیح نقدینگی و دیگر حوزه‌های ریسک شد تا به فضل خدا شاهد استقرار نظام بانکی اسلامی در سراسر جهان باشیم.

ناشی از فعالیت‌های غیر مشابه در بانکداری اسلامی که عمدتاً مربوط به عملیات اعتباری بانک‌های اسلامی می‌باشند، به دلایل مختلف، متفاوت از ریسک‌های شناخته شده در بانکداری متعارفند. در عین حال، ظاهر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، به ویژه فعالیت‌های اعتباری آنها، نشان می‌دهد که این بانک‌ها درگیر ریسک‌هایی بیش از ریسک‌های متداول در بانک‌های متعارف هستند و همین امر موجب شده است که نظریه‌پردازان به این باور برسند که بانک‌های اسلامی در مقام

زیرنویس‌ها

(۱) منظور از بانکداری متعارف یا سنتی، همان بانکداری ربوی رایج در کشورهای غربی و دیگر کشورها می‌باشد.

- 2) Islamic Financial Services Board.
 - 3) Profit and Loss Sharing.
 - 4) Information Asymmetry.
 - 5) Default.
 - 6) Restricted Muddaraba.
 - 7) Moral Hazard.
 - 8) Leasing.
- (۹) قرارداد استصناع، توافق نامه‌ای برای فروش یا خرید یک دارایی از یک مشتری است که این دارایی وجود ندارد طبق مشخصه‌های خواسته شده از طرف خریدار نهایی باید تولید شود و در تاریخ مشخص در آینده در یک قیمت از پیش تعیین شده تحویل گردد.
- 10) Highly Leveraged.
 - 11) Basel Committee.
 - 12) Liquidity Risk.
 - 13) Minimum Capital Requirement.
 - 14) Internal Rating System.
 - 15) Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions.
 - 16) Effective Supervision.
 - 17) Islamic Financial Services Board.
 - 18) Transparency and Disclosures.

(۱۹) حروف اختصاری CAMELS معرف کلمات سرمایه (Capital)، دارایی‌ها (Assets)، مدیریت (Management)، درآمدها (Earnings)، نقدینگی (Liquidity)، و حساسیت (Sensitivity) در برابر ریسک بازار است و هر یک ناظر به جوانب سلامت مالی بانک می‌باشد. بنابر این، سیستم CAMELS سلامت نسبی بانک یا مؤسسه را از نظر مالی می‌سنجد و توسط مقامات نظارتی بر اساس درجه‌بندی یک تا پنج صورت می‌گیرد که در آن عدد یک، نشانگر عملکرد قوی محسوب می‌گردد.

- 20) Lender of Last Resort.
- 21) Futures.
- 22) Options.
- 23) Forward.

منابع

- * یاسری- علی، مباحث اصلی در مدیریت ریسک و چالش‌های موجود، تهران، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۱.
- * منظور- داوود؛ رحیمی- امیر محمد؛ محمدی- محسن، بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول، موانع و چالش‌های پیش رو، نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۷.
- * مهدوی نجم‌آبادی- سید حسین، ریسک در دو نظام بانکداری، تهران، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۱.
- * اداره مطالعات و کنترل ریسک بانک تجارت، مدیریت ریسک در بانکداری.
- * اکبری‌ان- رضا، مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا، ماهنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۴، سال ۱۳۸۵.
- * بهرامی- مهناز، مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی و کمیته بال، فصلنامه بانک صادرات ایران، شماره ۲۵، سال ۱۳۸۲.
- * بانک تجارت، اصول راهنمای مدیریت ریسک برای مؤسسات مالی اسلامی، سال ۱۳۸۴.

* Basel Committee on Banking Supervision, 1990, A New Capital Adequacy Framework, (Basel: Basel Committee on Banking Supervision)

* Tariqullah Khan: "Risk Management In Islamic Banking", Disance learning Lecture, 2004.